تصویر تزئینی است

چتر دوم چترباز را نجات داد

فرهیختگان| مشکل در چتر یک چترباز در مراسم ۲۲ بهمن نزدیک بود حادثه بیافریند، اما باز شدن چتر دوم، او را نجات داد.
سخنگوی اورژانس تهران با تکذیب سقوط یک چترباز به علت باز نشدن چتر خود در تهران گفت: «چتر دوم این چترباز باز شده و وی به سلامت در میدان آزادی فرود آمده است.»
به گفته حسن عباسی، چتر اول این چترباز در زمان لازم باز نشده اما چتر دوم به کمک وی آمده و این چترباز به سلامت در میدان آزادی به زمین نشست. عباسی همچنین تاکید کرد: «در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال هیچ مورد خاصی به اورژانس تهران گزارش نشده است.»

گزارش خبری

گزارش فرهیختگان از جزئیات حادثه

قتل رئیس دادگستری روانسر توسط مجرم سابقه‌دار

فرناز استادنوبری
F.nobari@fdn.ir

سلیم قنبری، رئیس دادگستری روانسر صبح سه‌شنبه گذشته توسط یکی از متهمان سابق کرمانشاه به قتل رسید. سلیم قنبری که همراه با فرزند خود قصد خروج از منزل را داشت مورد اصابت گلوله قرار گرفت و پیش از رسیدن عوامل اورژانس درگذشت. این متهم که در پرونده‌هایش سابقه تعرض به ماموران را نیز دارد در حالی نقشه قتل این مقام مسئول قضایی را کشیده بود که پس از این قتل متواری نشد و تا آمدن پلیس در محل حادثه بود. فرزند رئیس دادگستری نیز در این درگیری مجروح شد.
سرهنگ هادی مصطفایی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی ناجا درباره جزئیات این حادثه به فرهیختگان گفت: «این متهم که در سابقه‌اش تعرض به ماموران نیز دارد به وسیله یک اسلحه اقدام به تیراندازی به رئیس دادگستری روانسر کرد و وی را به شهادت رساند.» سرهنگ هادی مصطفایی در این‌باره گفت: «صبح سه‌شنبه زمانی که آقای سلیم قنبری، رئیس دادگستری روانسر به اتفاق فرزندش از منزل بیرون آمد، توسط این متهم سابقه‌دار که در آن حوالی کمین کرده بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.»

فرزند مقتول نیز مجروح شد

وی با بیان اینکه فرزند این فرد نیز مجروح شد، گفت: «پس از اطلاع این حادثه به پلیس، عوامل انتظامی در محل حاضر شدند که ضارب با ماموران درگیر شد. اما درنهایت وی مجروح و توسط ماموران پلیس دستگیر شد.»
معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی ناجا با بیان اینکه این احتمال وجود دارد که این تیراندازی مرتبط با مسائل کاری و پرونده‌های مورد بحث باشد، گفت: «تحقیقات از متهم در دستور کار پلیس آگاهی کرمانشاه قرار دارد و اظهارنظر قطعی در این مورد منوط به انجام تحقیقات تکمیلی از متهم و انجام دیگر تحقیقات تخصصی است.»

متهم به قتل سابقه‌دار است

مصطفایی با بیان اینکه این فرد پس از دستگیری برای اقدامات درمانی به مراکز درمانی انتقال یافت، گفت: «برابر اطلاعات اولیه، ضارب دارای یک فقره سابقه کیفری است و چندین پرونده حقوقی و کیفری نیز برسر اختلاف با سایر افراد دارد که تحت رسیدگی است.»
این ترور در حالی انجام شده است که کمتر از دو ماه از به شهادت رسیدن معاون فرمانده انتظامی شهرستان گلپایگان توسط متهمان به سرقت می‌گذرد. در آن حادثه نیز متهمان سه مامور نیروی انتظامی و معاون فرمانده انتظامی شهرستان گلپایگان را به قتل رساندند.

مرد شکنجه‌گر در گفت‌وگو با فرهیختگان:

جنازه زنم را در جنگل انداختم چون عاشق شمال بود

رمزگشایی از فیلم ۱۰۰ ساعته شکنجه و قتل یک زن به دست همسرش

فروغ طباطبایی
F.tabatabaei@fdn.ir

دختر و پسر جوان با گذاشتن دو شرط در دادگاه از خونخواهی قتل مادرشان به دست پدر شکنجه‌گرشان گذشتند. آنها علاوه‌بر درخواست دیه خواستند پدرشان پس از آزادی، هرگز به دیدن‌شان نرود و برایشان مزاحمتی ایجاد نکند.
راز کشته شدن مادر این دختر و پسر با کشف ۱۰۰ ساعت فیلم شکنجه او کشف شد.
جمشید ۵۰ ساله نیمه‌شب پنجم شهریور ۸۹ همسر ۴۷ ساله‌اش به‌نام معصومه را پس از ساعت‌ها شکنجه و بستن دست و پای او با زنجیر، کشت و دختر و پسر نوجوانش را به مسافرت اجباری فرستاد تا راز این جنایت فاش نشود. سه ماه بعد، دختر این مرد که از شکنجه‌های او خسته شده بود از خانه گریخت و به اداره آگاهی رفت و از پدر شکنجه‌گرش شکایت کرد. با شکایت این دختر و کشف فیلم ۱۰۰ ساعته شکنجه معصومه به دست شوهرش، راز این جنایت فاش و بقایای جنازه زن میانسال در جنگل‌های شمال کشور پیدا شد.
جمشید دیروز در حالی در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی باقری و با حضور چهار قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در این جلسه دختر و پسر جوانش با گذاشتن دو شرط از خونخواهی گذشتند.

گفت‌وگو با متهم

از شکنجه زنم فیلم می‌گرفتم تا بتوانم در دادگاه از اعترافات او استفاده کنم

چند سال با همسرت زندگی کردی؟
۲۵ سال.
چطور با هم ازدواج کردید؟
معصومه از بستگان دورمان بود. یک روز که همراه مادرش برای میهمانی به خانه‌مان آمده بود او را دیدم و به پیشنهاد مادرم با او ازدواج کردم.
چقدر درس خوانده‌ای؟
سیکل دارم.
از چند سال پیش معتاد شدی؟
از ۲۰ سال پیش. وقتی ۳۰ ساله بودم تریاک می‌کشیدم اما بعد به دام شیشه افتادم.
شغلت چه بود؟
راننده بودم و با ماشینم کار می‌کردم و وضع مالی بدی نداشتم.
چرا همسرت را کشتی؟
من به رابطه او با مردان غریبه مشکوک بودم.
چطور ماه‌ها دست و پای او را با زنجیر بستی و او را در خانه حبس و شکنجه کردی؟
زنم به رابطه پنهانی با مردان غریبه اعتراف نمی‌کرد به همین خاطر او را شکنجه می‌کردم تا واقعیت را بگوید.
چرا از صحنه‌های هولناک شکنجه فیلم تهیه می‌کردی؟
وقتی همسرم را کتک می‌زدم به رابطه پنهانی با مردان غریبه اعتراف می‌کرد به همین خاطر از او فیلم تهیه می‌کردم تا بعدها بتوانم از اعترافات او در دادگاه استفاده کنم.
اگر همسرت با مردان غریبه در ارتباط بود چرا او را طلاق ندادی؟
من او را دوست داشتم.
گمان نمی‌کنی تحت‌تاثیر مصرف شیشه دچار توهم شده بودی و فکر می‌کردی همسرت با مردان غریبه در ارتباط است؟
نه. من دچار توهم نبودم. وقتی همسر و دختر و پسرم و حتی برادرم به من می‌گفتند که دچار توهم شده‌ام بیشتر عصبانی می‌شدم.
چرا دختر و پسرت را هم با زنجیر می‌بستی و در خانه حبس می‌کردی؟
وقتی برای کار از خانه می‌رفتم آنها دست و پاهای زنجیر شده مادرشان را باز می‌کردند و او را فراری می‌دادند. به همین خاطر آنها را هم را با زنجیر می‌بستم.
چطور همسرت را کشتی؟
به او گفتم باید حقیقت را بگوید اما سکوت کرد. من هم چند سیلی به صورتش زدم که بیهوش شد.
پسرت گفته چنگک را به شکم همسرت فرو بردی. درست می‌گوید؟
چنگک را به شکم زنم فرو نبردم، فقط برای تهدید معصومه از آن استفاده می‌کردم تا حقیقت را بگوید. من قصد کشتن او را نداشتم.
بعد از قتل چرا دختر و پسرت را به مسافرت اجباری فرستادی؟
از برادرم خواستم آنها را برای سفر به پلور ببرد. نمی‌خواستم آنها شاهد حمل جنازه باشند.
جنازه را چه کردی؟
شبانه آن را داخل صندوق عقب ماشینم گذاشتم و به جنگل‌های عباس‌آباد بردم و در یک دره آن را رها کردم.
چرا جنازه را به جنگل‌های عباس‌آباد در شمال کشور بردی؟
زنم عاشق جنگل‌های شمال بود. به همین خاطر جنازه‌اش را در آنجا رها کردم.
پسر و دخترت تقاضای دیه کرده‌اند و خواسته‌اند دیگر هیچ‌وقت تو را نبینند. شروط آنها را قبول کرده‌ای؟
من یک خانه دارم که متعلق به آنهاست. اما من قبلا هم آنها را اذیت نمی‌کردم که حالا به خاطر ترس از من چنین شرطی را گذاشته باشند.

احتمال مجازات حداکثری برای مرد شکنجه‌گر

عبدالصمد خرمشاهی وکیل پایه یک دادگستری در گفت‌وگو با فرهیختگان درباره اینکه چنین شروطی که از سوی فرزندان قربانی برای اعلام رضایت مطرح شده امکان‌پذیر است یا نه، گفت: «شرطی که در این پرونده از سوی اولیای‌دم مقرر شده این است که حق ملاقات را از پدرشان ساقط کرده‌اند. این حقی است که ساقط شدنی است و هیچ ایرادی ندارد، اما برخی از حقوق مانند حق ولایت پدر بر فرزند ساقط شدنی نیست.»
او درباره مجازاتی که احتمالا برای این متهم در نظر گرفته خواهد شد نیز توضیح داد: «بعضی از اعمال و جرائم مقدمه جرائم دیگر است، اما در این پرونده متهم مرتکب تعدد جرائم شده است. وی همسر و فرزندانش را در خانه حبس کرده، آنها را به زنجیر کشیده و شکنجه داده است. هر کدام از این رفتارها عنوان مستقل مجرمانه‌ای دارند که باید به آن رسیدگی شود. در آیین دادرسی جدید برای تعدد جرائم اشد مجازات درنظر گرفته می‌شود، نه اینکه برای هر یک از اعمال مجرمانه مجازاتی مستقل در نظر گرفته شود.
در این پرونده نیز چون فرزندان مقتول اعلام گذشت کرده‌اند. دادگاه می‌تواند متهم را طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات به سه تا ۱۰سال زندان محکوم کند که با توجه به تعدد جرائم، وی به احتمال زیاد به ۱۰ سال زندان، که مجازات حداکثری است، محکوم خواهد شد.»

رویداد

پسرخردسال عضو باند سرقت پدر و مادرش

فرهیختگان| زن و شوهری که با سوءاستفاده از یک بچه خردسال اقدام به سرقت خودرو می‌کردند، دستگیر شدند. سرهنگ فرهنگ نوروزی، فرمانده انتظامی تبریز درباره این خبر گفت: «به دنبال پیگیری گزارشی مبنی‌بر اینکه اخیرا سرقت خودرو از سوی یک مرد و زن صورت می‌گیرد، موضوع در دستور کار ماموران کلانتری‌ها قرار گرفت. ماموران کلانتری ۲۴ سردرود تبریز مطلع شدند که یک خودروی سرقتی مشکوک واقع در باغ معروف تبریز در حال تردد است که بلافاصله اکیپ گشت کلانتری به محل موردنظر اعزام شد و در یک عملیات توانست خودروی موردنظر را شناسایی کند و اعضای یک خانواده شامل خانم و آقا و یک پسربچه خردسال را به اتهام سرقت دستگیر کند. فرمانده انتظامی کلانشهر تبریز در ادامه اظهار کرد: «در نتیجه تحقیقات پلیس معلوم شد که این دو زن و مرد باند سرقت خودرو تشکیل داده بودند و با سوءاستفاده از یک پسربچه خردسال و برای رد گم کردن و دستگیر نشدن، اقدام به سرقت خودرو و لوازم خودرو می‌کردند که با تلاش پلیس دستگیر شدند و پرونده برای تکمیل و بررسی‌های بیشتر به پلیس آگاهی استان ارجاع داده شد.»

دستگیری مامور قلابی در بهارستان

فرهیختگان| فرمانده انتظامی شهرستان بهارستان از دستگیری دو کلاهبردار که تحت‌عنوان مامور اداره برق قصد اخاذی از شهروندان را داشتند، خبر داد. سرهنگ داود عبدالمالکی در تشریح جزئیات این خبر گفت: «در پی تماس فردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ شهرستان بهارستان (واقع در غرب تهران) مبنی بر اینکه دو نفر به یکی از محل‌های شهرستان گلستان آمدند و خود را مامور اداره برق معرفی کردند و قصد اخاذی از شهروندان را دارند، ماموران گشت کلانتری ۱۳ گلستان به محل مراجعه کردند.»وی با بیان اینکه پس از حضور ماموران در محل دو فرد مامورنما دستگیر و به مقر پلیس منتقل شدند، گفت: «در بازجویی‌های انجام شده از متهمان به هویت‌های «کریم» و «جابر»، آنان اعتراف کردند که مامور اداره برق نیستند و قصد داشتند با یک دستگاه الکتریکی خود را مامور معرفی کرده و از شهروندان اخاذی کنند که دستگیر شدند.»

خبر

سارق تجهیزات عکاسان و خبرنگاران در کاخ جشنواره فجر دستگیر شد

فرهیختگان| مرد میانسالی که در حاشیه برگزاری جشنواره فیلم فجر در کاخ این جشنواره و در برج میلاد اقدام به سرقت چندین فقره گوشی تلفن همراه، دوربین عکاسی و تجهیزات همراه خبرنگاران و عکاسان از سالن استقرار خبرنگاران کرده بود، دستگیر شد.
ساعت ۳۰ دقیقه بامداد سه‌شنبه بیست‌ویکم بهمن، ماموران کلانتری ۱۳۷ نصر، از طریق گزارش تعدادی از شهروندان به ۱۱۰، از دستگیری سارقی که اقدام به سرقت اموال و تجهیزات خبرنگاران و عکاسان در سالن محل استقرار خبرنگاران در برج میلاد و محل برگزاری جشنواره فیلم فجر کرده بود، مطلع شدند. ماموران پس از شنیدن اظهارات خبرنگاران، اقدام به دستگیری متهم میانسال کردند و در بازرسی از وی، موفق به کشف یک عدد گوشی تلفن همراه مدل بالا بدون سیم‌کارت شدند.

جدول کلمات متقاطع

۱۳۸۶

افقی

۱- کار سرسری- شمردن ۲- بخشنده- دیار- تنگه و کانال ۳- وطن و کشور- واجد- حرارت ۴- ناخن چهارپایان- جریب- خواست عرب- ملاک ۵- رنگ‌ها- وجب- کشیش ۶- نخ تابیده- اسرار- وسیله روشنایی ۷- آینده- وزین- سرپیچی کردن ۸- خانه‌های ریز روی عکس- زمین ناهموار- فرشته موکل بر آهن ۹- رفیق- سوق- نشان ۱۰- شکوه- مهربان- ستم ۱۱- لنگه‌بار- نیزه‌دار- سگ فضانورد ۱۲- مرد خداشناس- فزونخواهی- دور از هم- برآمدگی ته‌لاستیک ۱۳- برق منفی- عامل بیماری- علم غیراکتسابی ۱۴- زیرانداز قدیمی- خواهش- بالاتر از دیگران ۱۵- خوش‌اندام و دلربا- ماده صابون

عمودی

۱- ییلاق- مرتفع‌ترین آبشار اروپا در نروژ ۲- مهربان و از صفات باری‌تعالی- جرات- بیماری آفریقایی ۳- پرنده سعادت- از شهرهای گیلان- جفتک ۴- آهو- دریای عرب- پایتخت سوئیس- ضمیر وزنی ۵- شهر ریشه- تنور آجرپزی- چهارپایان ۶- نمایش غم‌انگیز- عزا- کودکی که از پا متولد شود ۷- درجه حرارت- تازه ساخت- فرمانروا و امیر ۸- هجوم- امان- زبل ۹- بند و ریسمان- انسان‌نمای جنگلی- نهنگ ۱۰- قطب مثبت جریان برق- بی‌باک و شجاع- لازم ۱۱- مشابه- سودمند- چاشنی سالاد ۱۲- عید ویتنامی‌ها- زیتون- دو یار هم‌قد- واحد انرژی ۱۳- برودت- استوار و ثابت- چوبه اعدام ۱۴- گودی‌ها- پایتخت آذربایجان- بیماری کم‌خونی ۱۵- از اثرهای معروف عبدالرحمن جامی- آزرده شدن

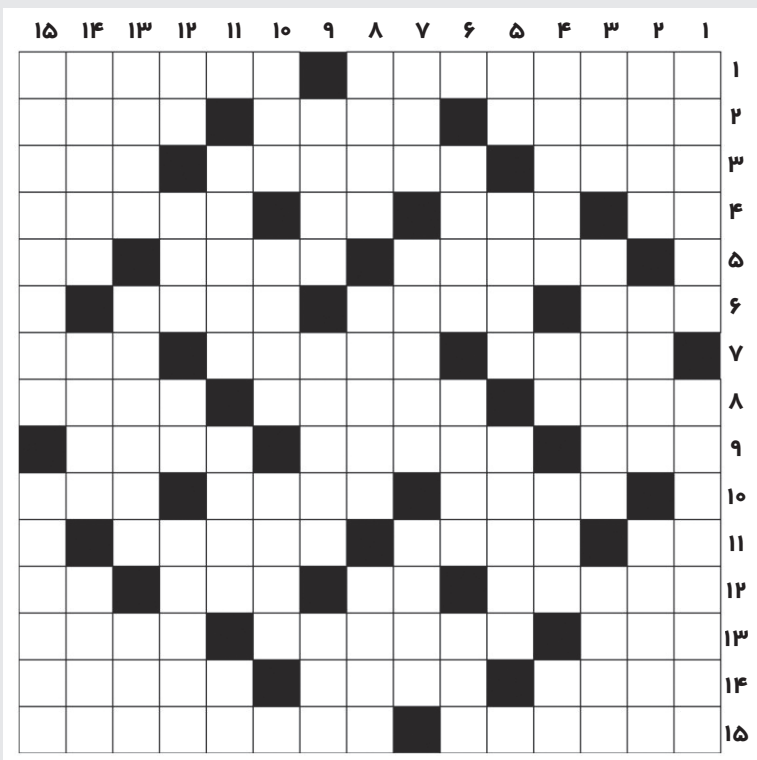

۱۳۸۵

پسر مقتول در گفت‌وگو با فرهیختگان:

گفت‌وگو

آثار شکنجه‌های پدرم روی روح و جسم من و خواهرم است

چند سال داری؟
۲۲ سال دارم و وقتی مادرم کشته شد ۱۸ ساله بودم. خواهرم هم در آن موقع ۲۱ سال داشت.
تو و خواهرت شاهد شکنجه‌شدن مادرتان بودید؟
پدرم بی‌رحمانه مادرمان را شکنجه می‌کرد. چند بار به او اعتراض کردیم، اما او دست و پای ما را هم با زنجیر بست. آن موقع در یک مغازه خدمات کامپیوتری کار می‌کردم. بعد از چند روز که در خانه حبس بودم از محل کارم اخراج شدم.
حالا چه کار می‌کنی؟
در یک رستوران به‌عنوان آشپز مشغول به کارم. چون شب‌ها جایی برای خواب ندارم در همان رستوران می‌مانم. اما به بیماری دیابت مبتلا هستم و به سختی می‌توانم کار کنم.
خواهرت چه می‌کند؟
او هم در یک شرکت کار می‌کند و شب‌ها در خانه اجاره‌ای یکی از دوستانش می‌ماند.
نمی‌خواهی ادامه تحصیل بدهی؟
علاقه‌مندم که درس بخوانم، اما من و خواهرم وضع مالی خوبی نداریم که حتی بتوانیم با هم یک خانه اجاره کنیم. محل کار من و خواهرم از یکدیگر دور است و نمی‌توانیم به راحتی یکدیگر را ببینیم. به همین خاطر به ادامه تحصیل فکر نمی‌کنم.
فکر می‌کنی چرا پدرت، مادرت را شکنجه می‌کرد؟
پدرم چندین سال به تریاک معتاد بود. او به پیشنهاد یکی از دوستانش برای اینکه تریاک را کنار بگذارد به دام شیشه افتاد. پدرم در توهم شیشه بود که مادرم را شکنجه می‌کرد. مادرم زن پاکدامنی بود، اما پدرم به او تهمت می‌زد.
چرا به پلیس شکایت نکردید؟
من و خواهرم از پدرمان می‌ترسیدیم. او تهدید کرده بود اگر پلیس به هر دلیل مقابل در خانه بیابد اول ما را می‌کشد بعد در را برای ماموران باز می‌کند.
چرا به اقوام و بستگان مادرتان خبر ندادید که پدرتان ۳ ماه است مادرتان را در خانه شکنجه می‌کند و از صحنه‌های هولناک ۱۰۰ ساعت فیلم تهیه کرده است؟
پدرم گوشی‌های موبایل ما را گرفته بود. او تلفن خانه را هم قطع کرده بود. من و خواهرم هم در این مدت در خانه حبس بودیم. تاثیر شکنجه‌های پدرم هنوز هم روی روح و جسم من و خواهرم باقی است. ما زندگی عادی نداریم.
با خانواده مادری‌تان در ارتباط نیستید؟
چند بار با آنها تماس گرفته‌ایم اما نمی‌خواهند ما را ببینند. آنها ما را هم در کشته‌شدن مادرمان مقصر می‌دانند.
چه موقع متوجه شدید مادرتان کشته شده؟
آخرین‌بار وقتی پدرم بی‌رحمانه مادرم را کتک می‌زد، از صدای فریادهای او به طبقه بالا رفتم و مادرم را دیدم که دست و پایش با زنجیر بسته شده بود. پدرم یک چنگک را به شکم او فرو کرده بود و مادرم به سختی نفس می‌کشید. همان موقع احساس کردم مادرم در حال مرگ است، اما فردا صبح پدرم من و خواهرم را به سفر فرستاد و وقتی برگشتیم به ما گفت مادرم از خانه فرار کرده و ما را برای همیشه ترک کرده است.
چطور شد که خواهرت به اداره آگاهی رفت و شکایت کرد؟
بعد از ناپدیدشدن مادرم پدرم باز هم ما را شکنجه می‌داد. من برای حفاظت از جان خودم و خواهرم همیشه یک کارد آشپزخانه در اتاق‌مان می‌گذاشتم. سه ماه از این ماجرا گذشته بود که یک روز خواهرم صبح زود از خانه فرار کرد و به اداره آگاهی رفت.
چرا از خون مادرتان گذشتید؟
پدرم قبل از اینکه به شیشه معتاد شود با ما رفتار خوبی داشت، اما بعد از آن به یک شیطان تبدیل شد. به خاطر روزهای خوبی که در دوران بچگی کنار پدرمان داشتیم از او گذشت کردیم و راضی به قصاص او نشدیم. اما با این شرط که دیگر به سراغ ما نیاید و خاطرات تلخ را برایمان زنده نکند. دیه هم می‌خواهیم تا بتوانیم سرپناهی برای خودمان داشته باشیم.